

فصل چهارم

پیشینه و مفاخر استان گیلان

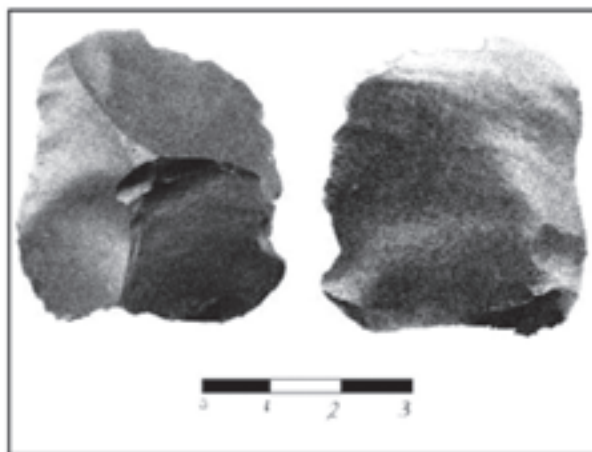
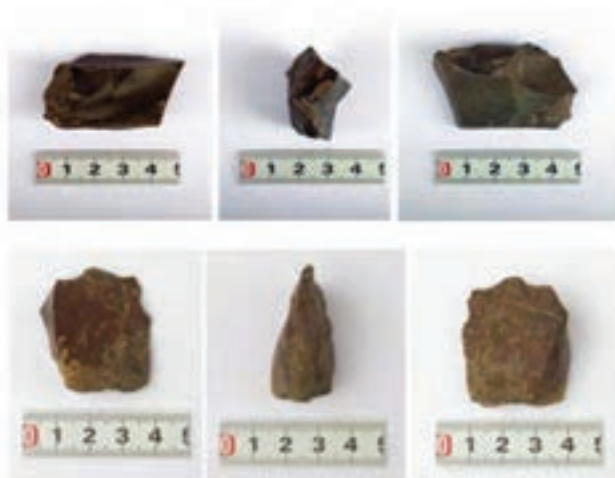


درس دهم از گذشته استان محل سکونت خود چه می‌دانید؟



توگیلان سبزی و پیروکمن که از گیل مردان برانی سخن
در این خطه سبزیو سرشت گشودست ایزد دی از بهشت

در کرانه جنوبی دریای خزر در غار «کمر بند» و به ویژه در غار «هوتو» (در بهشهر کنونی) بقایای استخوان انسان‌هایی پیدا شده که باستان‌شناسان قدمت آن را بین یازده هزار تا هفتاد و پنج هزار سال پیش تخمین زده‌اند. آنان احتمال داده‌اند که این استخوان‌ها، مربوط به نیاکان مستقیم انسان‌های ساکن فلات ایران است. در تازه‌ترین تحقیقات باستان‌شناسان به تعدادی از دست‌ابزارهای سنگی مورد استفاده بشر اولیه در غارهای یرشلمان، چپلک و مالهان در نواحی کوهستانی دیلمان و عمارلو دست یافته‌اند که استقرار انسان در مناطق کوهستانی گیلان را در اواخر عهد پارینه سنگی (بین یازده هزار تا چهل هزار سال پیش) تأیید می‌کند.



شکل ۲-۴- ابزارهای سنگی مکشوفه در غارهای چپلک و مالهان در عمارلو

شکل ۱-۴- ابزار سنگی مکشوفه در غار یرشلمان در دیلمان

فعالیت ۱۷

- مناطق کوهستانی دیلمان و عمارلو در محدوده کدام یک از شهرستان‌های گیلان واقع‌اند؟
- آیا در محل سکونت خود، غاری تاریخی می‌شناسید؟ اطلاعات خود را در این زمینه به کلاس ارائه کنید.



اقوام و مراکز اولیه تمدن در گیلان

با گذشت چند هزار سال از سکونت انسان در گیلان در عصر سنگ، به تدریج مردمان این ناحیه وارد «عصر فلز» شدند. باستان‌شناسان در حفاری‌های صد سال اخیر به آثار و شواهد قابل‌اعتنایی از دوره فلز (به‌ویژه عصر آهن) دست یافته‌اند. این آثار و شواهد نشان می‌دهند ساکنان گیلان قبل از استقرار کامل آریایی‌ها در ایران، به حد بالایی از فرهنگ و تمدن دست یافته‌اند.

بیشتر بدانیم



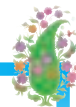
اقوام گیلان

◀ قوم کاس: به نظر بسیاری از پژوهشگران، یکی از قدیمی‌ترین اقوام ساکن در گیلان، قوم «کاس» است. کاس‌ها مرکب از دو تیره کاس سی (کاسی) و کاس پی (کاسپی) بوده‌اند. گستره نفوذ آن، از شمال ایران (سواحل دریای کاسپین) تا صفحات زاگرس و جلگه عراق کنونی را در بر می‌گرفت و بیشتر به کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند.

◀ قوم کادوس: یکی دیگر از اقوام قدیمی ساکن در گیلان «کادوس»ها بودند. پژوهشگران خاستگاه اصلی آن‌ها را نواحی کوهستانی و جلگه‌ای غرب گیلان دانسته‌اند. کادوس‌ها ضمن حفظ استقلال داخلی در کنار سایر اقوام گیلانی با هخامنشی‌ها همکاری داشتند. برخی بر این باورند که «تالش»های کنونی از نسل آن‌ها هستند.

◀ قوم آمارد: قوم دیگری که در گیلان قدیم می‌زیست، «آمارد»ها بودند که احتمالاً از نقطه دیگری به گیلان مهاجرت کرده و برای یافتن پناهگاه امن به کوهستان البرز شمالی آمده و در حاشیه سفیدرود ساکن شده‌اند. برخی پژوهشگران آثار به‌دست آمده در تپه مارلیک را منسوب به آن‌ها می‌دانند.

◀ قوم گیل و دیلم: گیل و دیلم یکی دیگر از اقوام کهن در گیلان محسوب می‌شوند که به نظر برخی از مورخان ریشه نژادی مشترک دارند. قوم گیل و دیلم پس از کوچ اجباری آماردها به وسیله فرهاد اول اشکانی (۱۷۱-۱۷۶ ق.م)، نقش بیشتری در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران از اواخر حکومت اشکانیان برعهده گرفتند؛ به همین دلیل، تا اواخر قرن چهارم هجری به‌خصوص در دوران اقتدار دیلمی‌ها (آل بویه)، بخش اعظم نواحی کوهستانی گیلان و حتی مناطق هم‌جوار به نام آن‌ها، «دیلمان» و به نواحی جلگه‌ای نیز «گیلان» گفته می‌شد. به تدریج، با پایان یافتن دوران اقتدار آل بویه و برخی حکومت‌های محلی منطقه دیلمان، نام و آوازه قوم «گیل» غلبه یافت و سراسر کوهستان و جلگه ساحلی به نام آن‌ها، به «گیلان» شهرت یافت.



آیا شما می‌توانید نام تعدادی از اشخاص و مکان‌های کنونی در گیلان را که به نحوی با نام اقوام کهن ساکن در گیلان قدیم ارتباط داشته باشند، بگویید؟

مراکز اولیه تمدن در گیلان

● تمدن املش: در املش، اشیای گرانبهایی در حفاری‌ها پیدا شده که مهم‌ترین آن‌ها، «جام» و «تنگ» طلایی املش است؛ از این رو، یکی از باستان‌شناسان برجسته، تمدن ماقبل آریایی ایران را «تمدن املش» نام نهاده و کار صنعتگران آن را هنرمندانه‌تر از کار صنعتگران دیگر تمدن‌ها دانسته است.



شکل ۴-۴- ظرف سفالی املش



شکل ۴-۳- تنگ طلایی املش

● تمدن تالش: نخستین بار، در سال ۱۲۸۰ هـ. ش در تالش گیلان حفاری به صورت علمی و جدید صورت گرفت و آثار زیادی از قبیل ظروف سنگی، مفرغی، سفالین به دست آمد که قدمت آن‌ها به سه هزار و پانصد سال پیش می‌رسد. همچنین، در حفاری



سال‌های اخیر در غرب روستای مِریان و تول در شهرستان تالش اشیای سیمین، زرین و سفالی زیادی پیدا شده که مهم‌ترین آن‌ها جام طلایی «تول» و «دستبند مفرغی» دارای کتیبه است.



شکل ۶-۴- دستبند مفرغی کتیبه‌دار تول تالش



شکل ۵-۴- جام طلایی تول تالش

● تمدن دیلمان: دیلمان از مناطق باستانی و پرآوازه گیلان است که اشیای فراوان به‌دست آمده در آن، از قبیل ظروف سفالی، مفرغی، آهنی و شیشه‌ای بیانگر این ادعاست. این اشیا به نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد تا دوره اشکانی نسبت داده شده است. آثار قابل توجه این منطقه، ظروف و اشیای زینتی، از جنس شیشه است که بسیار ماهرانه ساخته شده و حکایتگر اوج و تعالی هنر «شیشه‌گری» در گیلان قدیم است.

● تمدن مارلیک: تپه سنگی مارلیک در کنار چهار تپه دیگر در سال ۱۳۴۰ش. به شیوه علمی مورد کاوش قرار گرفت که آثار زیادی شامل ظروف سفالی، مفرغی و طلایی در آن به‌دست آمد. معروف‌ترین این آثار «جام مارلیک» با نقش گاو بالدار، درخت زندگی و نقش خورشید است که از طلای خالص و به شکلی بسیار هنرمندانه ساخته شده است. کاوشگر مارلیک معتقد است: «اقوام



شکل ۷-۴- اشیای زینتی از جنس شیشه متعلق به هزارهٔ اول ق.م، مکشوفه در قلعهٔ کوتی دیلمان

مارلیک در دورانی در حدود سه هزار و پانصد سال پیش در ارتفاعات رشته کوه البرز مستقر شده و برای مدتی در حدود پنج قرن به پیشرفت و شکوفا کردن هنر و صنایع خود در این منطقه پرداخته اند.»



شکل ۸-۴- جام مارلیک



شکل ۹-۴- مجسمه گاو کوهاندار ویژه تمدن مارلیک

تحقیق کنید



– هر یک از تمدن‌های آملش، تالش، دیلمان و مارلیک در کنار کدام رودخانه‌ها پدید آمده‌اند؟ چرا؟

گیلان از تشکیل حکومت آریایی ماد تا سقوط ساسانیان (۷۰۸ ق.م – ۶۵۲ م)

با مهاجرت و استقرار اقوام آریایی در ایران، ساکنان گیلان (کاسپی‌ها، کادوس‌ها، آماردها و...) استقلال خود را در برابر تازه‌واردها، حفظ کردند. مادها به عنوان نخستین حکومت آریایی (۵۵۰-۷۰۸ ق.م) هیچگاه نتوانستند ساکنان گیلان زمین را زیر فرمان خود درآورند.

در آغاز پایه‌گذاری حکومت هخامنشیان (۵۵۰ ق.م)، اقوام گیلانی با بنیان‌گذار این سلسله (کوروش دوم) بر ضد دولت ماد متحد شدند و در گشودن هگمتانه پایتخت ماد به وی کمک کردند.

در دوره سلوکیان و سپس در دوره اشکانیان (۲۴۸ ق.م – ۲۲۴ م.)، ساکنان گیلان همچنان استقلال نسبی خود را حفظ کردند و در مواردی علیه اشکانیان دست به شورش زدند و گاه آن‌ها را در سرکوب دشمنانشان کمک کردند.

در دوره ساسانیان (۶۵۲-۲۲۴ م.) ساکنان گیلان (کادوس‌ها، گیل‌ها و دیلمی‌ها) در اداره امور داخلی خود کم و بیش آزاد بودند. اما در نبرد شاهان ساسانی با بیگانگان، همواره به‌عنوان نیروی کمکی به خدمت آن‌ها درآمدند.

گیلان از سقوط ساسانیان تا دوره سلطنت قاجار (۱۲۰۹-۳۱ ه.ق)

همزمان با هجوم اعراب به ایران، خاندان «گیلان شاهان» به فرمانروایی «گیلِ گیلان شاه» به تدریج بر گیلان و دیلمان، و دیگر نواحی کرانه جنوبی دریای خزر (طبرستان و گرگان) غلبه یافت.

خاندان گیلان شاهان که بیش از یک قرن (۱۴۶-۲۲ ه.ق) بر گیلان، طبرستان و گرگان فرمانروایی داشتند، مرکز حکومتشان را در گیلان و به روایتی در فومن قرار دادند. امیران این خاندان با استفاده از نیروی رزمی سلحشوران دیلمی و گیلی در مقابل نفوذ سپاهیان خلافت اموی و سپس عباسی بر کرانه جنوبی دریای خزر، به شدت از خود پایداری نشان دادند.

گیلانیان پس از برافتادن حکومت گیلان شاهان (دابویگان) ضمن پایداری در مقابل هجوم سپاهیان عباسی، آغوش خویش را به روی مخالفان آنان به ویژه «علویان» گشودند. با شهادت امام رضا (ع) (۳۰۳ ه.ق) در خراسان، مهاجرت سادات علوی به گیلان شتاب بیش تری گرفت. به روایتی، در همین ایام سیدجلال الدین اشرف برادر امام هشتم (ع) به منظور نشر آیین شیعه وارد گیلان شد. در همان جا به شهادت رسید و پیکر مطهر ایشان در روستای «کوچان» در حاشیه سفید رود (آستانه اشرفیه کنونی) به خاک سپرده شد.

مهاجرت سادات علوی به گیلان و همگامی آنان با حکام محلی در دشمنی با خلافت عباسی و توجه آنها به طبقات فرودست جامعه و نیز دعوت عملی به اسلام، سبب رواج و گسترش آیین شیعه در میان مردم شد. چند سال بعد، گیلانی‌ها در روی کار آمدن دولت علویان طبرستان (۳۱۶-۲۵ ه.ق) نقش برجسته ای ایفا کردند.

در فاصله برافتادن حکومت گیلان شاهان تا روی کار آمدن حکومت‌های ترک تبار در ایران (غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان)، گیلان به وسیله خاندان‌های حکومتگر دیلمی همچون «آل جستان»، سالاریان و در مقطعی از این دوره توسط «علویان هوسم» اداره می‌شد. در طول این دوره هم، گیلان کم و بیش استقلال نسبی خود را حفظ کرد.

در سراسر دوران فرمانروایی مغولان، تیموریان و ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو (۷۹۰-۶۵۶ ه.ق)، خودمختاری داخلی گیلان با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافت. جغرافی‌نویسان و مورخان، در گزارش خود درباره اوضاع و احوال گیلان در این زمان به اعتبار موقعیت جغرافیایی سفیدرود، گیلان را به دو پهنه شرقی با عنوان «بیه پیش» به مرکزیت لاهیجان، و پهنه غربی با عنوان «بیه پس» به مرکزیت فومن تقسیم می‌کنند. در هر یک از این بخش‌ها، خاندان‌های محلی فرمان می‌راندند.

با روی کار آمدن صفویان و در پی اجرای سیاست تمرکزگرایی از سوی این دولت، ابتدا روابط امیرنشین آل اسحاق در فومن و سپس امیرنشین آل کیا در لاهیجان با پادشاهان صفوی (شاه اسماعیل و فرزندش شاه تهماسب) رو به وخامت نهاد و سرانجام، در زمان شاه عباس صفوی (۱۰۰۰ ه.ق). تبدیل سرزمین گیلان به املاک خاصه (املاک مخصوص شاه) موجب شد که اداره این منطقه به حاکمان و کارگزاران دولت صفوی سپرده شود.

در طول دوره حکومت زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ ه.ق)، گیلان به دست خوانین محلی (حاجی جمال فومنی و فرزندش هدایت‌الله خان) به طور نیمه مستقل اداره می‌شد. با قدرت‌گیری آقا محمدخان قاجار در استرآباد (گرگان امروزی) به این وضع خاتمه داده شد.



بیشتر بدانیم



گسکر تنها شهر یافت شده در جلگه گیلان و از شهرهای قدیمی و ابریشم خیز آن است که از قرن چهارم هجری قمری تا اواخر دوره صفوی از آبادانی و شکوفایی اقتصادی برخوردار بود اما به تدریج و به دلایل مختلف از رونق اولیه افتاد و خرابه‌های آن در زیر ریشه‌های درختان جنگل هفت دغنان آرمید. به تازگی، کارشناسان میراث فرهنگی گیلان خرابه‌های این شهر تاریخی را - که شامل باروی شهر، حمام‌ها، پل‌ها، معابر و خانه‌های آجری، ظروف سفالی لعابدار منقوش، ظروف چینی، مهرهای فلزی، سکه و قطعاتی از شیشه بوده - از زیر خاک درآورده‌اند. به نظر آنها، معماری بسیار پیشرفته این شهر بیانگر رفاه اقتصادی ساکنان آن و نیز یادآور اوج و تعالی هنر و تمدن اسلامی در بخش کوچکی از جلگه سرسبز گیلان غربی است.

بیشتر بدانیم



نقش گیلانیان در پرورش فکری و سیاسی شاه اسماعیل بنیانگذار سلسله صفوی

صوفیان صفویه (به خصوص دده بیگ تالش) اسماعیل میرزا را که فقط هشت سال داشت از ترس مأموران آق‌قویونلو که در تعقیب آن‌ها بودند، مخفیانه به گیلان آوردند. کارکیا میرزا علی فرمانروای مقتدر آل کیا در لاهیجان که شیعی مذهب بود، میزبانی اسماعیل نوجوان را برعهده گرفت. وی مولانا شمس الدین لاهیجی را که از عالمان شیعه بود، به آموزش و تربیت دینی اسماعیل گمارد. در مدت اقامت چند ساله اسماعیل در لاهیجان (۹۰۵-۸۹۸ ه.ق)، امیرنجم زرگری رشتی در تربیت سیاسی وی کوشید. اسماعیل پس از رسیدن به سلطنت، امیرنجم رشتی را در سال ۹۱۴ ه.ق به عنوان وکیل (نایب السلطنه) خود برگزید و کلیه امور کشور را به دست او سپرد. این نخستین ایرانی بود که حلقه بسته ترکان قزلباش را در دیوان سالاری صفویان کنار زد و این مقام مهم را عهده‌دار شد.

گیلان در دوره سلطنت قاجار (۱۳۴۴-۱۲۱۰ ه.ق)

از برآمدن قاجارها تا انقلاب مشروطه (۱۳۲۴-۱۲۱۰ ه.ق) گیلان توسط حکام منصوب دربار قاجار یا نمایان آن‌ها - که اغلب از شاهزادگان و وابستگان دربار بودند - اداره می‌شد.

در انقلاب مشروطه اهالی گیلان به‌ویژه مردم رشت و انزلی از پیشگامان مشروطه‌خواهی بودند و پس از صادر شدن فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه قاجار، گیلانی‌ها با ارسال تلگراف به تهران خواستار صدور «دست خط آزادی و مشروطیت» شدند.

با روی کار آمدن محمد علی شاه و به توپ بسته شدن مجلس، مشروطه خواهان گیلانی به تدریج آماده حرکت به سمت تهران شدند و در نهایت همراه با آزادی خواهان اصفهانی و بختیاری تهران را فتح کردند. با این اقدام، محمد علی شاه مستبد از سلطنت بر کنار و نظام مشروطه دوباره برقرار شد.

با فرارسیدن جنگ جهانی اول (۱۲۹۳ ه.ش)، روس‌ها قوای نظامی خود را در سطح گسترده وارد گیلان کردند. اشغال گیلان و ظلم و ستم نیروهای اشغالگر روسی، زمینه را برای یک نهضت بزرگ سیاسی - اجتماعی به رهبری میرزا کوچک فراهم کرد. نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک که از حمایت‌های مردمی برخوردار بود، در هفت سال مبارزه مستمر و بی‌امان خود، ضربات سختی بر اشغالگران روسی - انگلیسی و عوامل وابسته به آن‌ها وارد آورد و سرانجام با شهادت میرزا کوچک در ۱۱ آذر ۱۳۰۰، عمر این نهضت پایان یافت.

گیلان از روی کار آمدن پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۰۴ ه.ش)

در دوره سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش)، مردم گیلان به سبب پیشینه انقلابی و همچنین قرار گرفتن در همسایگی دولت کمونیستی روسیه (شوروی سابق) با مشکلاتی مواجه شدند.

با این که در این دوره به علت اختناق حاکم بر کشور، هرگونه فعالیت سیاسی به شدت سرکوب می‌شد، در قضیه «کشف حجاب» نیز اقبال مذهبی به‌ویژه روحانیان در قالب اعلامیه، کتاب و سرودن شعر از خود واکنش نشان دادند. شدیدترین انتقادات به کشف حجاب در گیلان را آیت الله یوسف گیلانی با انتشار کتابی در ذکر محاسن حجاب، بیان کرد که بلافاصله از سوی مأموران رژیم بازداشت و به همراه آیت الله محمد باقر رسولی به ماسوله تبعید شد (۱۳۱۴ ه.ش).

با آغاز نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) (مهر ۱۳۴۱)، در گیلان نیز دو تن از علمای طراز اول، مرحوم سید محمود ضیابری و سید حسن بحر العلوم، در مخالفت با اصول شش‌گانه شاه در مسجد کاسه‌فروشان رشت سخنرانی کردند و تلگرافی در تأیید اقدامات رهبری نهضت به قم ارسال کردند. آنان به اتفاق آیت الله مهدوی لاهیجانی، به قصد پیوستن به علمای مهاجر به سمت تهران حرکت کردند اما در میانه راه دستگیر و به زندان قزل قلعه در تهران انتقال یافتند.

با تبعید امام خمینی به ترکیه و سرکوب‌های پس از سال ۱۳۴۳، مبارزات سیاسی در گیلان نیز شکل مخفیانه به خود گرفت. روحانیت مبارز استان از جمله حجة الاسلام صادق احسان‌بخش فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را با پخش اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی رهبری نهضت در میان مردم بی‌گرفتند.

با شتاب گرفتن مبارزات ملت ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۶، گیلان نیز حال و هوای دیگری یافت. مبارزات روحانیت مبارز و سایر اقبال مردم این استان به تدریج، شکل علنی‌تر به خود گرفت. در مرداد ۱۳۵۷ آیت الله ضیابری که در بستر بیماری بود طی اعلامیه‌ای به سرکوب مردم و خفقان حاکم بر کشور اعتراض کرد.

با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌های ایران در مهر ماه ۱۳۵۷ و هم‌زمان با هجرت امام خمینی به فرانسه، آتش انقلاب در گیلان نیز شعله‌ور شد و در اواسط شهریور همین سال، تظاهرات خیابانی بسیاری از شهرها و بخش‌های گیلان را فرا گرفت.

تظاهرات بر ضد رژیم شاه در اغلب شهرهای استان منجر به درگیری‌های خیابانی مردم با مأموران رژیم شاه شد که در اثر آن،



تعدادی از تظاهرکنندگان به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز زخمی شدند. سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، عصر تازه‌ای در تاریخ مردم این مرز و بوم آغاز شد.



شکل ۱-۴- تظاهرات مردم بر ضد رژیم شاه (رشت)، سال ۱۳۵۷

فعالیت ۱۸

- با رجوع به کتاب‌های تاریخ محلی، گزارشی در مورد یکی از خاندان‌های حکومت‌کننده گیلانی تهیه کنید.
- در مورد چگونگی نفوذ و گسترش آیین شیعه در گیلان مقاله‌ای بنویسید.
- چرا گیلان را خاستگاه قیام‌های روستایی دانسته‌اند؟ (با نگارش مقاله‌ای در مورد یکی از قیام‌های دهقانی در گیلان، به این سؤال پاسخ دهید.)
- از طریق تحقیق میدانی (مصاحبه با برخی مبارزان در رژیم شاه)، در مورد نقش مردم شهرستان محل سکونت خود در پیروزی انقلاب اسلامی مقاله‌ای بنویسید.

درس یازدهم نقش مردم گیلان در دفاع از مرزهای ایران اسلامی

گیلان، سرزمین مردان و زنان با غیرت، دین دار و شجاع است. تاریخ این دیار گویای مبارزه با ستم گران و متجاوزان به مرزهای ایران اسلامی و دفاع از مظلومان و ستم دیدگان است. در این درس به طور گذرا با گوشه ای از فداکاری های نامی مردم گیلان پس از پیروزی انقلاب اسلامی آشنا می شوید.

در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، دلاورمردان گیلانی به منظور پاسداری از مرزهای ایران اسلامی و دفع شرارت گروهک های ضد انقلاب راهی مناطق غرب و شمال غرب کشور از جمله کردستان شدند. رزمندگان گیلانی در مبارزه با آشوب گران و عوامل ضدانقلاب در مناطق یاد شده، شهدای زیادی تقدیم اسلام و انقلاب کردند.

در همین ایام، عوامل گروهک منافقین به ایجاد ناامنی و شرارت و ترور اقشار مختلف مردم در داخل استان دست زدند. در پی این ترورها از افراد متدین و حزب اللهی استان از جمله: مهندس انصاری استاندار، مهندس نورانی معاون عمرانی استاندار و ابوالحسن کریمی دادستان گیلان به شهادت رسیدند. حضرت آیت الله احسان بخش نماینده حضرت امام (ره) در استان و امام جمعه رشت نیز هدف ترور عوامل گروهک یاد شده قرار گرفت و به سختی مجروح شد و چند سال بعد بر اثر شدت جراحات وارده به فیض شهادت نایل گردید.

به دنبال این آشوب ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گیلان با تشکیل قرارگاه عملیاتی حضرت ابوالفضل (ع) به تعقیب عاملان این ترورها در مناطق جنگلی و کوهستانی پرداخت که پس از مدتی توانست دست جنایتکار آنان را از این دیار کوتاه کند.

بیشتر بدانیم

«بنده در آن روزها به رشت آمده بودم و اوضاع را چنان دیدم که گمان نمی کردم روزی این گروهک ها برچیده شوند. ولی با دست توانای جوانان گیلان، بدون این که یک نفر از خارج استان به کمک شان بیاید، خودشان استان شان را از این مزدوران و عناصر منحرف پاک کردند. مقام معظم رهبری»

با آغاز حمله سراسری رژیم عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نیروهای داوطلب از اقشار مختلف استان به منظور حفظ و حراست از مرزهای ایران اسلامی و دفع یورش وحشیانه دشمن عازم مناطق قصر شیرین، سرپل ذهاب و خرمشهر شدند. هم زمان با اعزام



نیروهای رزمنده استان توسط سپاه، ارتش، بسیج، جهاد سازندگی و هلال احمر به جبهه‌های غرب و جنوب در دوران دفاع مقدس، کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم سخاوتمند گیلان نیز، در قالب کاروان‌های پشتیبانی از رزمندگان اسلام بی دریغی به جبهه‌ها فرستاده شد. کاروان ۱۵۰۰ کامیونی گیلان شاهکار هدایا و کمک‌های مردم این سرزمین است که هم‌چنان در خاطره‌ها به یادگار مانده است.



شکل ۱۱-۴- لحظه اعزام رزمندگان از رشت به جبهه سریل ذهاب - مهرماه ۱۳۵۹

گفتنی است کم‌سن‌ترین رزمنده ایرانی با ۱۰ سال سن از این استان در جبهه حضور یافت و سازماندهی اعزام منظم اولین گروه از زنان جهت حمایت از رزمندگان اسلام هم توسط جهاد سازندگی گیلان انجام گرفت.

نکته شایان ذکر دیگر این است که به‌رغم فاصله بسیار زیاد گیلان با مناطق جنگی، شهر رشت و رودبار چندین بار مورد حمله هواپیماهای متجاوز عراقی قرار گرفت که در اثر این حملات بیست و سه نفر از مردم بی‌دفاع و غیرنظامی شهرهای یاد شده - که اغلب زن و کودک بودند - به شهادت رسیدند.

هم‌چنین، استان گیلان در دوران دفاع مقدس پذیرای چندین هزار نفر از مهاجرین جنگ تحمیلی از استان‌های جنگ زده بود که برخی از آن‌ها هنوز در این دیار زندگی می‌کنند. از دیگر افتخارات مردم این سامان، بازسازی مناطق جنگی و خانه‌های آسیب‌دیده از جنگ توسط جهاد سازندگی استان گیلان؛ به‌ویژه در شهرستان گیلان غرب در استان کرمانشاه است.

در پایان باید افزود که شهادت قریب به هشت هزار نفر از دلاور مردان گیلانی و تقدیم بیش از بیست و یک هزار جانباز و بالغ بر دو هزار و ششصد آزاده، سند پرافتخار دیگری از نقش مردم گیلان در دفاع از مرزهای ایران اسلامی است که بر تارک این سرزمین خواهد درخشید و هرگز از خاطره‌ها محو نخواهد شد. شما در ادامه این درس در بخش «بیشتر بدانیم» با زندگی برخی از شهدای شاخص استان در هشت سال دفاع مقدس در کنار دیگر شخصیت‌های مذهبی، انقلابی، علمی و فرهنگی آشنا خواهید شد.



الف) شخصیت‌های مذهبی و انقلابی

● میرزا کوچک جنگلی: یونس مشهور به میرزا کوچک در سال ۱۲۵۹ ش.



شکل ۱۲-۴- میرزا کوچک خان و دکتر حشمت

در محله استاد سرای رشت دیده به جهان گشود. از آنجا که پدرش به میرزا بزرگ معروف بود، او به میرزا کوچک مشهور شد. وی تحصیلات خود را در مدارس جامع رشت و محمودیه تهران پی گرفت و هنگام نهضت مشروطه، به آزادی خواهان گیلانی پیوست و در فتح تهران (۱۲۸۷ ش.) نقش قابل توجهی ایفا کرد. در دوران جنگ جهانی اول (۱۲۹۷-۱۲۹۳ ش.) که گیلان در اشغال قوای بیگانه چون روس و انگلیس بود، برای احیای اهداف مشروطه و اخراج بیگانگان، نهضتی را در جنگل‌های گیلان بنیان نهاد که به «نهضت جنگل» موسوم شد. میرزا پس از هفت سال مبارزه بی‌امان با اشغالگران خارجی و عوامل داخلی آن، و با شهادت خود در یازدهم آذر ۱۳۰۰ ش. در ارتفاعات ماسال، به نماد بیگانه ستیزی گیلانی‌ها در کشور تبدیل شد.

● شهید آیت الله حاج صادق احسان بخش: صادق سال



شکل ۱۳-۴ آیت الله شهید حاج صادق احسان بخش

۱۳۰۹ ش. در روستای لیفشناگرد تولد شهر صومعه سرا دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات ابتدایی، دروس حوزوی خود را در رشت و قم پی گرفت. از سال ۱۳۴۱ ش. به نهضت امام خمینی (ره) پیوست. در مبارزات مردم گیلان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشت. در پاییز سال ۱۳۵۹ ش. به عنوان نماینده حضرت امام در گیلان و امام جمعه رشت

منصوب شد. در ۲۶ فروردین ۱۳۶۱ در مسجد کاسه فروشان شکل ۱۳-۴ آیت الله شهید حاج صادق احسان بخش رشت توسط گروهک منافقین ترور گردید و به سختی مجروح شد. در همان حال در طول دوران دفاع مقدس بارها به جبهه‌های جنگ رفت. حمایت مادی و معنوی وی از رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی فراموش نشدنی است. آیت الله احسان بخش سرانجام در شب ۱۴ خرداد ۱۳۸۰ در رشت بر اثر شدت جراحات وارده ناشی از ترور یاد شده به لقاء الله پیوست.



● حضرت آیت الله العظمی محمد تقی بهجت فومنی : محمد تقی بهجت (۱۳۸۸-۱۲۹۴ ش.) در یک خانواده مذهبی در شهر فومن به دنیا آمد و پس از فراگیری علوم مقدماتی حوزوی در زادگاهش، راهی عتبات عالیات شد. حضرت آیت الله بهجت پس از مدتی شاگردی در نزد استادان برجسته حوزه علمیه کربلا و نجف و همزمان با اشغال عراق توسط قوای انگلیس در جنگ جهانی دوم، به ایران مراجعت کرد و در حوزه علمیه قم اقامت گزید و به تربیت طلاب علوم دینی تا پایان عمر اهتمام ورزید. حضرت آیت الله بهجت در خرداد ۱۳۸۸ در سن ۹۴ سالگی رحلت کرد. از ایشان آثاری چون یک دوره اصول، حاشیه بر مکاسب و کتاب‌های چاپ نشده دیگر به یادگار مانده است. البته آنچه آیت الله بهجت را در میان علما، برجسته کرده بود، جامعیت او در جنبه‌های علمی، تقوا و پرهیزکاری اجتماعی و سیاسی بود.

ب) شخصیت‌های علمی

● کوشیار گیلانی : کوشیار گیلانی (۴۵۰-۳۳۰ ه.ق) ریاضیدان و اخترشناس برجسته گیلانی است که در دربار آل زیار در گنبد می‌زیست. سعدی شاعر شیرین‌سخن ایران در باب چهارم کتاب بوستان مراتب علمی وی را ستوده است. از کوشیار گیلانی، کتاب‌های متعددی در علم ریاضی و نجوم باقی مانده است. کتاب «اصول حساب هندی» مهم‌ترین اثر وی و نیز قدیمی‌ترین کتابی است که در بین کتاب‌های ریاضی از دوره اسلامی باقی مانده است. در زمینه نجوم نیز باید از دو کتاب ارزنده وی به نام «زیج جامع» و «زیج بالغ» یاد کرد.



● پروفیسور فضل الله رضا : فضل الله رضا در سال ۱۲۹۳ ش. در شهر رشت دیده به جهان گشود. او پس از اخذ مدرک مهندسی برق از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل راهی ایالات متحده آمریکا شد و از دانشگاه پلی تکنیک نیویورک مدرک دکتری الکترونیک گرفت و سپس در دانشگاه‌های آمریکا، ایران، فرانسه و کانادا به تدریس پرداخت. پروفیسور رضا علاوه بر اشتغال در علم ریاضی، در زمینه فرهنگ و ادب فارسی هم دارای تألیفات است. پروفیسور رضا در سال‌های اخیر به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز برگزیده شد (شکل ۱۴-۴).

● دکتر محمود بهزاد : محمود بهزاد (۱۳۸۶-۱۲۹۲ ش.) در شهرستان رشت

شکل ۱۴-۴

دیده به جهان گشود. وی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته داروسازی، هم‌زمان با تدریس به کار ترجمه و تألیف پرداخت. دکتر بهزاد را می‌توان پرکارترین نویسنده و مترجم کتب علمی در ایران دانست. تعداد تألیفات و ترجمه‌های وی به نود و هشت جلد کتاب می‌رسد. گفتنی است برخی از تألیفات وی بارها تجدید چاپ شده است. صاحب‌نظران از دکتر بهزاد به عنوان «پدر زیست‌شناسی نوین ایران» یاد می‌کنند.



شکل ۱۵-۴

● **پروفسور مجید سمیعی**: مجید سمیعی در سال ۱۳۱۶ ش. در رشت به دنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۴۹ ش. موفق به اخذ دکتری تخصصی در رشته جراحی مغز و اعصاب از آلمان شده، دو سال بعد به دریافت درجه پروفسوری جراحی مغز و اعصاب نائل شد. پروفسور سمیعی از سال ۱۳۵۶ تاکنون، ریاست بیمارستان جراحی مغز و اعصاب شهر «هانوفر» آلمان، ریاست بین‌المللی جراحی قاعده جمجمه، ریاست انجمن جراحان پلاستیک آلمان و ... را به دست آورده است. و همچنین نشان درجه یک خدمت از دولت آلمان را در سال ۱۳۶۷ دریافت کرد. ایشان در سال‌های اخیر جزء چهره‌های ماندگار در نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد (شکل ۱۵-۴).

پ) شخصیت‌های فرهنگی

● **بانو شمس کسمائی**: شمس کسمائی (۱۳۴۰ - ۱۲۶۲ ش.) یکی از زنان نام‌آور شعر و ادب فارسی به‌شمار می‌آید که از یک خانواده اهل کسما از مناطق شهرستان صومعه‌سرا بود. او به زبان‌های روسی و ترکی مسلط بود. از شمس کسمائی در شهریور سال ۱۲۹۹ ش. قطعه شعری در مجله «آزادستان» به چاپ رسیده که جزء نخستین نمونه‌های تجدید در شعر فارسی به‌شمار می‌آید. کسمائی را می‌توان در کنار شاعرانی چون جعفر خامنه، تقی رفعت قرارداد که قبل از نیما یوشیج، به نوآوری در سنت شعر فارسی پرداخته‌اند.

● **دکتر محمد معین**: محمد معین (۱۳۵۰ - ۱۲۹۱ ش.) در شهر رشت دیده به جهان گشود. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در رشت و دانشسرای عالی در تهران، موفق به اخذ نخستین مدرک دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تازه تأسیس تهران در سال ۱۳۱۸ ش. شد. دکتر معین به علت تألیف فرهنگ شش‌جلدی معین نزد همه ادب‌دوستان ایرانی و خارجی شناخته شده است. وی علاوه بر نگارش فرهنگ معین در زمینه‌های مختلف از جمله تصحیح متون، نگارش مقالات تحقیقی، ترجمه، شرکت در همایش‌ها و جلسات علمی به تدریس در دانشگاه تهران، آلمان و ... اشتغال داشته است (شکل ۱۶-۴).



شکل ۱۶-۴

● **محمود پاینده لنگرودی**: محمود پاینده (۱۳۷۷ - ۱۳۱۰ ش.) در شهرستان لنگرود چشم به جهان گشود. از انتشار اولین اثرش به نام «گل عصیان» (مجموعه شعر فارسی) که در سال ۱۳۳۶ ش. به چاپ رسید تا زمان حیاتش، بیش از ده اثر از او انتشار یافت. زمینه‌های اصلی تحقیق وی، فرهنگ و آداب و رسوم و معرفی چهره‌های برجسته تاریخ محلی گیلان بود. یکی از مهم‌ترین آثار وی در این زمینه «فرهنگ گیل و دیلم» است.



● کیومرث صابری فومنی: کیومرث صابری (۱۳۸۳-۱۳۲۰ ش.۰) در



شکل ۱۷-۴- کیومرث صابری فومنی

صومعه‌سرا دیده به جهان گشود. صابری پس از اخذ مدرک کارشناسی به‌عنوان یک ادیب طنزپرداز فعالیت فرهنگی خود را از سال ۱۳۴۵ ش. با چاپ شعرهایش با امضای «گردن شکسته فومنی» در مجله توفیق آغاز کرد و آثار زیادی را در همان مجله با نام‌های مستعار به چاپ رساند. او پس از انقلاب اسلامی به مدت شش سال در روزنامه اطلاعات، ستونی را با نام «دو کلمه حرف حساب» به خود اختصاص داد و سپس از سال ۱۳۷۰ ش. ماهنامه «گل آقا»، سپس «مجله بچه‌های گل آقا» را به راه انداخت و همچنین، مؤسسه گل آقا را به‌عنوان خانه طنز ایران معرفی کرد (شکل ۱۷-۴).

(ت) فرماندهان و سرداران شهید هشت سال دفاع مقدس

● سردار شهید حسین املاکی: حسین (۱۳۶۷-۱۳۴۰ ش) در روستای



شکل ۱۸-۴- شهید حسین املاکی

«کولاک محله» لنگرود دیده به جهان گشود. در همان‌جا تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. در دوران دفاع مقدس پس از کسب موفقیت در عملیات‌های مختلف و طی رده‌های فرماندهی به سمت قائم مقام لشکر قدس گیلان برگزیده شد. حسین سرانجام در عملیات والفجر ۱۰ در منطقه عملیاتی «سیدصادق و شانه‌دری» به درجه رفیع شهادت نایل آمد. شایان ذکر است که پیکر مطهر ایشان هنوز مفقود است (شکل ۱۸-۴).

● امیر شهید خلبان سیدعلی اقبالی: سیدعلی (۱۳۵۹-۱۳۲۸ ش)



شکل ۱۹-۴- شهید امیر خلبان سیدعلی اقبالی

در رودبار به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رساند سپس به استخدام نیروی هوایی درآمد. در دومین روز جنگ تحمیلی در عملیات متهورانه «پرواز ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگی ایران» علیه عراق شرکت کرد. در اول آبان ۱۳۵۹ به هنگام بازگشت از عملیات بمباران پایگاه هوایی کرکوک مورد اصابت موشک قرار گرفت و به اسارت دشمن درآمد. سرانجام در اسارت به وضع بسیار فجیعی به شهادت رسید (شکل ۱۹-۴).



شکل ۴-۲۰- امیر شهید خلبان احمد پیشگاه هادیان

● امیر شهید خلبان احمد پیشگاه هادیان: احمد (۱۳۶۶-۱۳۳۰ ش) در بندر انزلی به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رساند و به استخدام هوانیروز درآمد. در دوران دفاع مقدس در عملیات بازی دراز و پادگان سرپل ذهاب در کنار شهید شیروودی رشادت‌های کم‌نظیری از خود نشان داد. سرانجام در آخرین مأموریت هوایی‌اش در منطقه غرب کشور به ملکوت اعلی پیوست (شکل ۴-۲۰).



شکل ۴-۲۱- شهید هادی خوش‌خلقت

● پاسدار شهید هادی خوش‌خلقت: هادی (۱۳۶۷-۱۳۴۱ ش) در رشت دیده به جهان گشود. تحصیلات متوسطه را در همین شهر پی گرفت. در سال ۱۳۶۰ به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمد. در سمت‌های مختلف خدمات ارزنده‌ای ارائه نمود. سرانجام در حضور دوم خود در جبهه در منطقه عملیاتی «سلمچه» به درجه رفیع شهادت نایل آمد. لازم به ذکر است شهید خوش‌خلقت از شهدای شاخص نیروی انتظامی استان گیلان است (شکل ۴-۲۱).



شکل ۴-۲۲- سردار شهید مهدی خوش سیرت

● سردار شهید مهدی خوش سیرت: مهدی (۱۳۶۶-۱۳۳۹ ش) در روستای «جور کوچان» آستانه اشرفیه به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در همان جا به پایان رساند. در دوران دفاع مقدس بارها مجروح شد. سرانجام در عملیات نصر ۴ درحالی که فرماندهی تیپ دوم لشکر قدس را برعهده داشت در منطقه «ماوت» عراق به شهادت رسید (شکل ۴-۲۲).



● **سردار شهید محمود قلی‌پور** : محمود (۱۳۶۵-۱۳۳۲ش) در یک خانواده گیلانی در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در شهر رشت به پایان برد. وی از معدود فرماندهان گیلانی است که در دوران دفاع مقدس سمت‌های مختلف آموزشی و فرماندهی را به عهده داشته است. محمود سرانجام در حالی که ریاست ستاد لشکر قدس را بر عهده داشت در عملیات کربلای ۲ در منطقه عملیاتی «حاج عمران» به فیض شهادت رسید (شکل ۲۳-۴).

شکل ۲۳-۴ سردار شهید محمود قلی‌پور



● **جهاادگر شهید بهرام گل‌آور** : بهرام (۱۳۶۸-۱۳۲۷ش) در انزلی به دنیا آمد. پس از پایان دوره ابتدایی، تحصیلات حوزوی خود را در مشهد و قم پی گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی مسئول کمیته فرهنگی جهاد سازندگی انزلی شد. در دوران دفاع مقدس بارها به جبهه رفت. سرانجام به عنوان فرمانده گردان ۱۱۴ مهندسی - رزمی جهاد سازندگی گیلان در «جزیره مجنون» به شهادت رسید (شکل ۲۴-۴).

شکل ۲۴-۴ جهاادگر شهید بهرام گل‌آور



● **سردار شهید هرمز محمد بیگللو** : هرمز (۱۳۶۱-۱۳۳۷ش) در رشت دیده به جهان گشود. تحصیلات متوسطه را در همین شهر به پایان رساند. در درگیری با ضدانقلاب در کردستان مجروح شد. با آغاز جنگ، فرماندهی پادگان آموزشی المهدی چالوس را بر عهده گرفت. هم‌زمان چندین بار در جبهه نیز حضور یافت. سرانجام در اطراف شهر بصره در عملیات رمضان به شهادت رسید (شکل ۲۵-۴).

شکل ۲۵-۴ سردار شهید هرمز محمد بیگللو



● ناو سروان شهید حبیب‌الله محمدزاده : حبیب‌الله (۱۳۵۹-۱۳۳۶ش) در خشکبیجار به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در رشت به پایان رساند در دانشگاه نیروی دریایی در تهران پذیرفته شد و در رشته مهندسی الکترونیک دریایی فارغ‌التحصیل شد. در آغاز جنگ تحمیلی در پایگاه دریایی ارتش در بوشهر مشغول خدمت گردید. سرانجام در عملیات غرورآفرین دریایی «مروارید» بر اثر اصابت موشک به ناوچه همیشه قهرمان پیکان به شهادت رسید (شکل ۲۶-۴).

شکل ۲۶-۴- ناو سروان شهید حبیب‌الله محمدزاده



● امیر سرلشکر شهید سید موسی نامجوی : سید موسی (۱۳۶۰-۱۳۱۷ش) در انزلی دیده به جهان گشود. پس از اخذ دیپلم ریاضی وارد دانشکده افسری شد و تا مقام استادی آن دانشکده پیش رفت. با پیروزی انقلاب اسلامی به فرماندهی دانشکده رسید. سپس در کابینه شهید باهنر به سمت وزیر دفاع برگزیده شد. سرانجام در مسیر بازگشت از جبهه، هواپیمایش دچار سانحه هوایی شد و به فیض شهادت نایل آمد (شکل ۲۷-۴).

شکل ۲۷-۴- امیر سرلشکر شهید سید موسی نامجوی

فعالیت ۱۹

مقام معظم رهبری در وصف کدام یک از سرداران شهید گیلان از واژه «قهرمان» استفاده کرده است؟ چرا؟

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما برای حفظ و ماندگاری نام افتخارآفرینان عرصه‌های علمی، فرهنگی، مذهبی، انقلابی، و جهاد و شهادت چه وظایفی بر عهده ماست؟





تحقیق کنید



جدول معرفی سایر مفاخر گیلان را به کمک دبیر خود تکمیل کنید.

آثار و کارهای برجسته	تحصیلات	زادگاه	تاریخ تولد	نام و نام خانوادگی	ردیف